

شناخت جنبشهای اسلام گرا در آسیای مرکزی و قفقاز

شناخت جنبشهای اسلام گرا در آسیای مرکزی و قفقاز

دلاور محمد پور

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه :

هنوز سرزمینهای مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز زخمهای قرارگرفتن در خط مقدم برخورد دو نیروی قدرتمند تاریخ را کهنه نکرده است. زمانی رهبران روسیه مدعی بودند که تمدن غرب و اروپا مدیون روسیه است چرا که همچون سپری در مقابل تهاجم همه جانبه تمدن اسلامی ایستاده و مانع پیشروی مسلمین به اروپا شده و در این میان خود تلفات بسیاری داده و غرب را وادار کرده است. اما این روی سکه نیز دیدنی است که مردم سرزمینهای سربه فلک کشیده قفقاز و دشتهای پهناور آسیای مرکزی مانع لشکرکشیهای روسها حامل پرچم و تمدن غربی به قلمرو مسلمانان در شرق گردیده اند. آری تاریخ قفقاز و خراسان بزرگ برخورد نمایندگان تمدن غرب و تمدن شرقی است.

در حال حاضر بخشی از مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی همچنان در زیر چکمه های سلطه طلبان روسیه کشته می شوند؛ از سرزمینهایشان رانده و در زیر بمباران قرار می گیرند. با همه این احوال هویت آنها استوار باقی مانده و جنگ و ستیز برای محو هویت آنها ادامه دارد؛ چرا که ستیز بی امان چنها و داغستانیها در قفقاز و مبارزه مستمر ازبکها و تاجیکها در آسیای مرکزی منطقه را فراگرفته و روسیه را با معضل بزرگ مواجه کرده است. وجود جریانی چنان ریشه دار در مجاورت ج.ا.ایران در منطقه راهبردی یاد شده برای ما بسیار مهم بوده ریشه یابی تحولات و خیزشها را ضروری می نماید.

در نوشتار حاضر سعی بر این است جوانب گوناگون از لحاظ تاریخی، جغرافیای، تعلقات ریشه ای، سیر دگرگونی و تنوع جریانات مقاومت مورد بررسی قرارگیرد و تا حد امکان جوانب امور روشن و به شفافیت امر جهت اتخاذ موضوع و اظهار نظر نزدیک شود.

به علت ویژگیهای خاص موضوع از قبیل تازه و سریع الوقوع بودن وقایع، و موانع سیاسی و به نظر دیگر برخورد با امنیت ملی و.... اطلاع و آگاهیهای یقین آور بسیار کم بوده و یا نیست، لذا در برخی از بخشهای بحث، فقط به حلقه های مرکزی موضوع نزدیک شده ایم اما جواب صریح بدست نیامده است. جهت روشن شدن صور مختلف موضوع به فرصت بیشتر احتیاج است.

در تهیه مطلب حاضر، دوستان و همکاران بسیاری مساعدت کرده اند. حتی در ترسیم سطوح مناطق مورد بحث، مکتوباتی ارایه دادند و در تهیه فیش، بریده جراید و مقالات ذیربط مدد رساندند که از آنها تقدیر و تشکر می شود. بویژه آقایان پورمانی و حاج قنبر که در جمع آوری مآخذ نقش اساسی داشتند. همچنین از آقای رمضانی کارشناس حوزه آفریقا، آقایان جعفری و اکبری رایزنهای سابق ج.ا.ایران در تاجیکستان و ازبکستان برای ارایه نظرات و اطلاعات سپاسگزار هستم.

حوزه جغرافیایی موضوع:

کشورهایی که پس از سپری کردن دهه های متمادی با شوروی، (همان وارث روسیه تزاری) اکنون جدا شده اند، و بعنوان سرزمین مسلمان نشین شناخته می شوند مورد بحث قرار خواهد گرفت. این منطقه شامل دو قسمت است. آسیای مرکزی که کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و قزاقستان را در بردارد. قفقاز که کشور آذربایجان و جمهوریهای خودمختار و منطقه های خودمختار وابسته به روسیه در آن واقع شده اند. اگر چه ارمنستان و گرجستان نیز در قفقاز واقعند لیکن چون کشور مسلمان نشین نیستند در تقسیم بندی یادشده نمی گنجند.

تمام واحدهای سیاسی واقع شده در حوزه جغرافیایی مشخص شده کم و در بیش درگیر جریان خیزش هویت اسلامی هستند. اما جمهوری خودمختار داغستان وابسته به جمهوری فدراتیو روسیه و جمهوری چین که بطور يك جانبه اعلام استقلال کرده و بعد از جنگ با روسیه از این کشور جدا شده، همچنین در آسیای مرکزی جمهوریهای تاجیکستان ازبکستان بویژه منطقه دره فرغانه که بین جمهوریهای تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان واقع شده است، بیشترین تحرکات را داشته اند و عمده درگیریهای منجر به بحران را بخود اختصاص می دهند.

جریان تاریخی موضوع:

مناطق مسلمانان نشین در کشمکش دراز مدتی به مرور زیر سلطه روسیه تزاری در آمدند. قزاقستان در قرن هیجدهم، خیوه، سمرقند، بخارا، تاشکند طی سالهای 1865 تا 1876 توسط روسیه تصرف شدند. در اواخر قرن نوزدهم تاجیکستان، در سال 1881 ترکمنستان و 1876 قرقیزستان به اشغال روسها درآمد. در منطقه قفقاز، بخش جنوبی و قسمتی از بخش شمالی طی قراردادهای گلستان و ترکمانچای در سالهای 1812 و 1828م و بخش

شمالی (داغستان وچچن) در سال 1859 زیر سلطه تزارهای روس قرار گرفت.

پس از استیلای روسها، مبارزات مسلمانان از شکل بازدارنده به مرحله رهایی بخش تغییر هدف داد و هیچگاه محنه آن سرزمین خالی از رویارویی، اعتراض و مبارزه اسلام گرایان با روسها – چه تزاری و چه بلشویکی – خالی نبود. اگرچه گاهی ظاهراً آرامش برقرار می شد لیکن جنبشهای زیر زمینی فعال بودند و یا با چهره و وجهی دیگر اقدام می کردند.

اشاره به برخی از ریشه های جنبشهای دینی مسلمانان منطقه، پیش نیاز درک اوضاع فعلی میباشد. ریشه های اصلی این مقاومتها به رهبران طریقتهای صوفیه برمی گردد. طریقت نقشبندیه، قادریه، کبرویه در ابتدا و طریقتهای دیگر منطقه ای مثل یسوی، ویس حاجی، چیم میرزا در ادامه بارزترین حرکت های ضد بیگانه و در عین حال اسلامگرایان را رهبری کردند.

امام منصور شیخ طریقت نقشبندیه در قفقاز شمالی در سال 1785 و زمان سلطنت کاترین دوم بر علیه روسها قیام کرد که تا 1791 ادامه یافت ([1]).

در دهه دوم از قرن نوزدهم، بخشهای جنوبی منطقه قفقاز شمالی با اعلام جهاد توسط شیخ محمد افندی از طریقت نقشبندیه برای روسها ناامن و میدان مبارزه شد. بعد از وی از سال 1844 تا 1859 رهبری دیگر از همان طریقت صوفیه به نام امام شامیل، قفقاز شمالی به ویژه داغستان وچچنستان را از دست روسیه خارج کرد و مدت 35 سال در مقابل روسها به مبارزه پرداخت. این مرحله بنام «نهضت مریدی» در تاریخ ثبت شده است ([2]).

جنگجویان مسلمان قفقاز و رهبر آنان «امام شامیل» تحسین تاریخنگاران معاصر را برانگیخته بود. الکساندر دوما در سفر به قلمرو فرمانروایی امام شامیل، در گزارشی که به پاریس فرستاد نوشت: «شامیل اعجوبه ای است که علیه کلیه فرمانروایان روسیه جنگید».

لارماکس، شامیل را دمکرات بزرگ نامیده است. پوشکین، لومانف و تولستوی، بزرگان ادبیات کلاسیک روسیه که در جنگهای قفقاز شرکت داشتند، این جنگها را محکوم و با مدافعان کوه نشین ابراز همدردی می کردند ([3]).

پوشکین شاعر نامی روس چنین می سراید:

فرزندان سربلند قفقاز

شما می جنگیدید، به طرز فجیعی نابود می شدید.

نه خون، نه جوشن، نه کوهها، نه اسبهای تندرو

و نه عشق خروشان شما به آزادی، شما را نجات دادند ([4]).

لرمانتوف دیگر ادیب روس چنین می نویسد:

قفقاز، ای سرزمین دور افتاده

سرزمین آزادیهای ساده

توهم انباشته از بدبختی هستی

وقامت از جنگ خونین شده است...

وی در شعر دیگری چنین می گوید:

آزادی – خدای آنهاست; جنگ – قانون آنهاست...

آنجا شکست دادن دشمن جنایت نیست

آنجا دوستی صادقانه است، اما انتقام صادقانه تر است؛

آنجا پاداش نیکی به نیکی و خون به خون است؛

و نفرت هم مثل عشق بی حدود و حصر است ([5]).

داغستان و چین مجدداً در جریان انقلاب اکتبر 1917 دست بکار قیام شدند و باز هم در 1921 سرکوب شدند. در همین ایام ملت کوه نشین قفقاز شمالی جمهوری خودمختار کوهستانی تشکیل دادند لیکن آنها توسط حکومت شوروی متلاشی شدند ([6]).

اقوام قفقاز شمالی بویژه چچنها و اینگوشها در سالهای جنگ دوم جهانی بار دیگر دست به شورش زدند. برای همین پس از سرکوب، عده زیادی از آنان به مناطق دور دست و آسیای مرکزی تبعید شدند. بین چهارصد هزار تا چهارصد و پنجاه هزار تن «چچن»، صد هزار تا صد و پنجاه هزار تن «اینگوش» هشتاد و پنج هزار تن اهالی «قراچای» و چهل و پنج هزار تن اهالی «بالکار» شامل این تبعید شدند که 20 تا 30 درصد این عده در جریان کوچ بر اثر شداید، سرما و گرما، گرسنگی و تشنگی جان باختند ([7]).

قیام «باسماچیان» در آسیای مرکزی و منطقه فرغانه به مرور از سال 1917 توسعه یافت جایگاه مهمی برای جذب تمام نیروهای با شهامت و شهادت طلب شد.

باسماچیان که نخستین بار در دهه شصت قرن نوزدهم در نواحی متصرفی روسیه در آسیای میانه، ترکستان، بخارا و خوارزم به وجود آمده بود، فعالیت خود را از سر گرفت و با عنوان «سپاه اسلام» به مقاومت ادامه داد. در این برهه دو سازمان «شورای اسلام» و «شورای علما» فعالیتهای سیاسی قیام را اداره می کردند. باسماچیان (سپاه اسلام) در برابر ارتش سرخ مقاومت های رشادتمندانه ای نشان دادند و تنها قسمتهایی از این ارتش تا پایان سال 1926 همچنان به جنگ ادامه داد ([8]).

قیام باسماچیان نیروهای باقی مانده از قیام «دوکچی ایشان» را که در سال 1898 به پا خاسته بودند، همراه خود کرده بود ([9]).

وجه دیگر مبارزات مسلمانان جنبه سیاسی داشت. بعنوان مثال در سالهای 1904 – 1905 کلیه مناطق مسلمان نشین روسیه تزاری اقدام به تشکیل کنگره اسلامی کردند. اولین کنگره مسلمانها تشکیلات سیاسی تحت عنوان «اتفاق المسلمین» را بنیان نهاد که هدف آن ایجاد وحدت میان کلیه مسلمانهای روسیه بود. کنگره، مسلمانان روسیه را ملت واحدی قلمداد می کرد که به لحاظ جغرافیایی به چند دولت تقسیم شده و به سه زبان رسمی تکلم می نمایند.

1 – دولت تاتار – باشقیر در منطقه ولگای وسطی به زبان تاتار ولگایی

2 – ترکستان متحد و قزاقستان که ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان را نیز در بر می گیرد و به زبان ترکی جغتایی تکلم می کنند.

3 – قفقاز مسلمان که شامل آذربایجان، داغستان و مرکز شمالی قفقاز که به زبانی ترکی آذری اشتراک

همزمان با انقلاب اکتبر 1917 مجدداً چنین کنگره ای بوجود آمد. در ماه می 1917 اولین کنگره تشکیل شد. تشکیل شورای مسلمانان، طرح تشکیل واحدهای نظامی ملی مسلمانها، استقرار نظام آموزشی واحد برای مسلمانها از جمله تصمیماتی بود که اتخاذ شد. در ژوئیه 1917 مجدداً تأسیس واحدهای نظامی مسلمانان تاکید و يك شورای نظامی نیز تشکیل شد. علاوه بر آن کنگره يك دولت موقت مسلمین بوجود آورد و اداره ملی موظف شد موجبات تشکیل مجلس ملی مسلمین را فراهم آورد. زمانی که بلشویکها قدرت را در 20 نوامبر 1917 بدست آوردند، این اقدام نیز به نتیجه رسیده بود لیکن طولی نکشید که به سرعت موجبات انحلال آن را فراهم کردند.

دیگر بعد فعالیتهای مقاومتی مسلمین، تحرکات فکری و فرهنگی بود؛ یکی از بارزترین این اقدامات «نهضت جدیدی» است. اگر چه سرمنشاء نهضت در منطقه تاتارهای ولگا قرار داشت لیکن تأثیر بسزایی بر متفکران مسلمان قفقاز گذاشت.

فعالیتهای جدیدها موجب شد مسلمانان جان بیشتری بگیرند بطوری که در سال 1905 بر اثر این فعالیتهای مسلمانان روسیه 000/25 مسجد، 000/50 روحانی و هزاران موسسه آموزشی داشتند ([11]).

الگوهای فکری اسلام گرایان

در میان مسلمانان شوروی سابق ویژگیهایی از قبیل تعلق به يك حکومت – روسیه تزاری و سپس شوروی – موجب بود آمدن وحدت تاریخی، فراپتهای فرهنگی و علائق متقابل، منافع مشترك، نهادها و سازمانها و رهبران مشترك فرهنگی سیاسی شده است. همچنین تعلق آنها به يك دین واکثراً به مذهب حنفی بر زنجیره علائق فوق استحکام بخشیده موجب ریشه دارتر و هدفدارتر شدن ارتباط این سرزمینها شده است.

برای همین آبخور فکری واحد برایشان بوجود آمد. با نظر به سوابق تاریخی ملاحظه می شود که ابتدا صوفیگری از منطقه آسیای مرکزی اوج می گیرد و به قفقاز رسیده آنجا را نیز تحت تأثیر می گذارد. ولیکن انتقال اندیشه صوفیگری پس از مدتهای مدیدی این بار به هنگام کوچاندن چنها و اینگوها به قزاقستان و شمال آسیای مرکزی، در پایان جنگ دوم جهانی به این بهانه که با لشکر آلمان نازی بر علیه حکومت شوروی همکاری کرده اند، توسط چنها به قزاقستان و شمال آسیای مرکزی راه پیدا می کند. وجود دیگر مراکز تولید اندیشه مشترک دینی، همچون شهر «غازان» مرکز تاتارستان و «اوپا» مرکز باشقیرستان در اواخر قرن نوزدهم، آنگاه حوزه های دینی سمرقند، بخارا و تاشکند؛ بر ایجاد وحدت رویه فکری و دینی اثر گذاشته اند. در ادامه تایید همان پرامترها می بینیم حزب نهضت اسلامی قبل از فروپاشی شوروی سابق در جمهوری روسیه بوجود می آمد و شاخه های آن در جمهوریهای مسلمان نشین تشکیل می گردد. فعالترین شاخه آن که در تاجیکستان است، به قدرت سیاسی دست پیدا می کند و در برخی جمهوریها به شکل نیروی سیاسی قدرتمند و اپوزیسیون فعالیت می کند.

دیگر منشاء مشترک فکری، نهضت باسماچیها در آسیای مرکزی و نهضت جدیدی بویژه در منطقه تاتارستان و باشقیرستان می باشد که هر کدام ضمن تأثیر بر عموم منطقه، بر بخشی از حوزه ها اثر بیشتری گذاشته اند.

علاوه بر منابع ایجاد الگوهای فکری ذکر شده که بعضاً هم اکنون نیز اثر گذارند باید از منابع جدیدتری همچون وهابیت، انقلاب اسلامی، پاکستان، اسلام گرایی عربی غیر وهابی نیز نام برد. در زیر به مهمترین منابع الگوهای فکری اشاره می شود.

به هیچ وجه نمی توان سرزمینهای مسلمان نشین منظور نظر را از تأثیرات تاریخی صوفیگری خالی تصور کرد. گستردگی در حوزه جغرافیای، نفوذ در لایه های وسیع مردم واستمرار تأثیر گذاری بر پایداری نقش رهبران صوفیه صحّه گذاشته است. ظهور و رشد طریقه های نقشبندیه، قادریه، یسویه، کبرویه و حتی انواع بومی آن با رهبران بنیانگذاری همچون طریقت «بطل حاجی» در اینگوش، طریقت «چیم میرزا» در چینستان پس از جنگ دوم جهانی و طریقت «ویس حاجی» بطور سازمان یافته ایی شکل وتوسعه یافته اند.

در تمام مراحل تاریخی مبارزات مردم مسلمان طریقه های صوفیه دارای نقش عمده و رهبری بوده اند. مبارزات مردم داغستان توسط امام شامل در سالهای 1834 تا 1859. مبارزات مردم داغستان، چین و اینگوش به رهبری صوفیان چیم میرزا، فعالیت طریقت انشعابی از یسویه در قزاقستان به نام «ساجلویاچستیه» (گیسودراز) در سالهای آخر دهه 1920، قیام امام منصور در قفقاز شمالی در سال 1783 وادامه آن تا 1943 توسط امامان طریقت نقشبندیه، شاهدان چنان ادعایی است که ذکر شد.

بطور کل نظام مریدیسم در جمهوریهای مسلمان نشین به ویژه قفقاز شمالی بسیار ریشه دار است که از نظام آموزشی طریقه های صوفیانه سرمنشاء داشت.

به نوشته کتاب «مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده» بر اساس آخرین بررسیها جامعه شناسهای شوروی بیش از نیمی از مسلمانهای معتقد جمهوری چین - اینگوش عضو یکی از سلسله های صوفیه می باشند، لذا می توان گفت در حال حاضر تعداد اعضای سلسله های صوفیه میان 000/150 تا 000/200 نفر است. در حالی که در 1926 منابع شوروی تعداد آنها را در میان چنها 000/60 ودر میان اینگوشها 000/10 نفر تخمین زده اند. طریقه های صوفیه به یکی دو فرقه کوچک - نقشبندیه و قادریه - محدود نمی شوند بلکه بنا به بررسیهای اخیر قبل از فروپاشی توسط شوروی سابق هر يك سازمانهای توده ایی می باشند که صدها هزار سرسپرده دارند که این سرسپردگان نسبت به سالهای پیش از انقلاب اکتبر افزایش زیادی داشته اند ([12]).

در باره نفوذ صوفیگری کتاب «مسئله اقلیتهای ملی در شوروی» در صفحه 153 می نویسد:

صوفیگری که ایدئولوژی آن به شکل مریدیسم در قفقاز و باسماچیسیم در ترکستان با عنوان «طریقت» نضج گرفت و از آن پس پایگاه اجتماعی صوفیگری گسترده تر شد، نه تنها روستاییان و کارگران صنعتی بلکه روشنفکران نیز در آن شرکت جستند.

روزنامه اکونومیست تحت عنوان مقاله ای به نام «هرج و مرج در قفقاز» می نویسد: «شمال قفقاز از معدود مناطق در اتحاد شوروی بود که اعتقادات اسلامی هنوز در آن، تقریباً قدرتمند محسوب می شد. سنت صوفیگری به خوبی قادر بود که در شرایط نیمه مخفی به حیات خود ادامه دهد.

.... آتازلگین - از کارشناسان روس در زمینه مسایل اسلامی - می گوید که ک.گ. ب چیزهای زیادی درباره جمعیت اخوت صوفیان می دانست، اما به این نتیجه رسیده بود که امحاء این طرز تفکر به دلیل ریشه عمیقی که در بطن جامعه داشت، میسر نیست.» ([13])

بنابر اطلاعات واصله همچنان مرشدان صوفیه در آسیای مرکزی و حتی تا حدودی در شبه قاره هند نفوذ و قدرت فراوان دارند. در حال حاضر «ابراهیم گل» مرشد صوفیان نقشبندیه است.

تصوف در ترکمنستان نیز که به عقب ماندگی و به وجهی - تعصب کور و کرایینی - مشهور بوده اند جایگاه

مهم و تاریخی دارد. مشایخی بزرگ همچون خواجه یوسف همدانی، ابو سعید ابو الخیر، گوزلی آتا صاحب منزلت، دارای مریدان و پیروان فراوانی بوده اند. همچنین از «قربان میراث» می توان نام برد که از مشایخ نقشبندیه بوده و در قیام بر ضد روسیه در سال 1881 نقش اساسی داشت ([14]).

بطور کل جنگ مشهور ترکمنها در مقابل روسیه تزاری که به جنگ مقاومت «گوگ تپه» شهرت دارد توسط رهبران دینی بویژه مشایخ صوفیه رهبری شد.

به نوشته کتاب ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز پیش از انقلاب اکتبر 1917 حکومت روسیه کوشید تا در مقابل تصوف پنهان یا اسلام سرسخت (بر خلاف اسلام قابل رویت) ایستادگی کند و از ساخت مساجد حمایت کرد ([15]).

پس از فروپاشی شوروی تحركات مسلمانان بیشتر شد. تاجیکستان، ازبکستان، چین و داغستان شاهد بیشترین جنبشهای دینی شدند. در تاجیکستان رهبران نهضت از پیروان مشی صوفیانه بودند. نگارنده که خود در آغاز خیزش مسلمانان تاجیکستان در این کشور حاضر بوده و با رده های مختلف رهبریت حزب نهضت اسلامی تماس فکری و مشاوره ای بر قرار کرده بود. شاهد جایگاه مرشدگونه رهبران روحانی نهضت در نزد مردم بود، بطوری که وی را بی چون و چرا همچون سبک صوفیانه مرید و مرشدی تبعیت می کردند. در منطقه فرغانه که مابین سه جمهوری ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان واقع شده لیکن فرهنگ، ملیت و زبان از یکی در آن حاکمیت دارد و فعالیت اسلامگرایان به شدت توسعه یافته و منطقه ناامن برای حکومت ازبکستان شده است رگه های اندیشه صوفیانه حکم فرما می باشد. در منطقه قفقاز شمالی نیز همانگونه پیشتر اشاره رفت نفوذ طریقتهای منظور نظر بی چون و چرا بوده و البته با گرایشهای دیگر اسلامی در آمیخته است که مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مسلمانان مناطق تاتارستان و باشقیرستان (ولگای وسطی) بیشترین اثر را از حرکت جدیدی گرفتند. روشنفکران مسلمان مناطق یاد شده در اواخر قرن نوزدهم برای خالص کردن اسلام از خرافات و کج اندیشیها اقدام به ایجاد حرکت‌های دینی در قالب‌های روز کردند. بعنوان مثال اقدام به تشکیل مدارس به سبک امروزی یا آموزش علوم دیگر به همراه علوم دینی کردند؛ به ترجمه قرآن و چاپ آن مبادرت کردند و حرکت‌هایی که با نوع اسلام متحجر وابسته به امرا و خانات گوناگون مناطق اسلامی مغایرت داشت، روی آوردند.

شخصیت‌هایی همچون ابو نصر کرسوی (1814 - 1783)، شهاب الدین مرجانی (1889 - 1818) از بزرگترین رهبران حرکت بودند. مرجانی بزرگترین و موفقترین عالم تاتار به نوعی تقلید محتاطانه از غرب معتقد بود مشروط بدانکه حوزه نفوذش محدود بوده و تمامیت معتقدات اسلامی محفوظ باشد. مرجانی تأثیر عمیقی بر اسلام روسیه گذاشت.

گروهی از متفکران تاتار و قرقم و قفقاز در پی‌گیری راه او مسئله عقب افتادگی علمی و فنی و سیاسی اسلام را مورد توجه قرار دادند و سعی کردند در اصلاح دینی راه حلی بر آن مسائل بیابند. در این راستا متفکرانی دیگر رشد کردند که توانستند اسلام روسیه را از تاب و توان جدیدی برخوردار سازند. ([16])

هنوز هم برخی کلاسهای قرآن و عربی که نهضت جدیدیها تشکیل می داد در مسکو دایر است ([17]).

کاترین دوم در سال 1788 يك مرکز استفتاء مذهبی بنام (مجمع روحانی محمد «ص») ایجاد کرد. پس از آن در مناطق کریمه در سال 1831 وماوراء قفقاز در سال 1872 سه مجمع روحانی راه اندازی شد. از آن تاریخ به بعد در قالب همین مجامع و سپس در ادارات دینی در سراسر روسیه و سپس شوروی سابق روحانیون وابسته به حکومت به تبلیغ و ترویج اسلام در چهارچوب سیاستهای حکومت مرکزی پرداختند.

علاوه بر سازمانهای فوق، آسیای مرکزی در دوره تزاریسم خود دارای نهاد دینی بود که مفتی ها تصمیم گیرندگان آن بودند و امرای خانات مهم، همچون بخارا، خوقند و غیره نظرات مفتیان را در اجرای احکام نافذ می دانستند. باید توجه داشت که در این برهه امرای آسیای مرکزی خود را به حکمرانان دولت عثمانی وابسته می دانستند که مدعی خلافت بر مسلمین جهان بودند.

بدین ترتیب هر دو نوع روحانیت حکومتی در واقع محافظه کار در حفظ منافع حاکمان بوده اند چه حاکمان و امرای خانات آسیای مرکزی و چه حاکمان تزاریسم و شوروی سابق.

با توجه به ماهیت مبلغین اسلام حکومتی توقعی از آن برای ایجاد موج و جنبش اسلام گرایی نمی رود.

نفوذ مسلمانان عرب در منطقه، جوانب گوناگونی دارد. همه عوامل در نفوذ برخی فرق اعراب مسلمان به آسیای مرکزی وقفاز مؤثر افتاده است که به برخی از موارد اشاره می شود.

قرار گرفتن مکه ومدینه – سرزمین وحی و ظهور اسلام – در کشور عربستان سعودی جذابیت کشور مذکور را به تقدیس نزدیک می کند. برابر با اسلام دانستن فرهنگ سرزمینهای عربی از عواقب مقدس محسوب شدن آن است. در طول تاریخ درگیری مذهبی با شیعه که از حکومت صفویه به این سو تشدید شد، موجب گردید به ویژه در جمهوریهای آسیای مرکزی وابستگی به دنیای اهل تسنن بیشتر مورد توجه قرارگیرد و خود را به خلیفه مسلمین – که البته مرکز آن در استانبول بود ولی بر تمام سرزمینهای مقدس مکه ومدینه مسلط بود – ملحق بدانند.

علاوه بر موارد یاد شده مهاجرت مبارزان مسلمانی که در مقابل تزارسم وشوروی سابق ایستادگی کرده بودند به کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی موجب بوجود آمدن اقلیتی از این اقوام در سرزمینهای عرب گردید که بعدها پایگاهی برای تأثیرگذاری بر سرزمین پدری شد.

وجود مراکز آموزشی اسلامی مهم همچون الازهر مصر و مراکز دیگر در کشورهای عربی موجبات جلب داوطلبین، طلاب وعلمای دینی برای کسب تحصیلات دینی در سطوح عالی می شد. حتی در دوره شوروی چون برخی از کشورهای عربی همچون سوریه مصر، لیبی در بلوک شرق قرار داشتند لذا بصورت رسمی داوطلبین تحصیل دینی به مراکز علوم اسلامی این کشورها اعزام می شدند.

همچنین حضور اعراب در منطقه وتاسیس مراکز آموزشی – خدماتی در این جمهوریها کانونهای نفوذ واثرگذاری مؤثر دیگری شده اند. مراکز آموزشی بویژه در داغستان بسیار فعال هستند که بیشتر به وهابیون وابسته می باشد.

پس از اینکه حضور اعراب در منطقه مسلم دانسته شد باید بین گرایش‌های متعدد فکری اعراب مسلمان که پای به سرزمین شوروی سابق نهاده اند تفکیکی قایل گردید. در این رابطه وهابیت و گرایش‌های دیگر مسلمانان دنیای اعراب مطرح می‌شود.

1 - 4 - وهابیت:

روزنامه «لوموند دیپلماتیک» در مهر ماه 1377 (اکتبر 99) نوشت: «... هزاران مبلغ خارجی دیگر، بویژه از پاکستان و همچنین سازمان‌های وابسته به عربستان سعودی چون سازمان اسلامی «طیبه» و بنیاد «الابراهیم» در داغستان حضور دارند...» ([18]).

گزارش‌ها و اخبار متعددی درباره حضور وهابیان در منطقه وجود دارد که شاهد حضور فرقه مذکور است. در سال 1374 عربستان سعودی شروع به احداث کرسی مطالعات اسلامی در دانشگاه مسکو کرد. رئیس دانشگاه از تلاش شاهزاده نایف بن عبد العزیز برای این امر قدردانی کرد و گفت: کرسی مطالعات اسلامی یک تریبون آکادمیک برای مطالعات اسلامی - عربی به شمار می‌رود و قرار است کارشناسانی که در مطالعات اسلامی و تمدن عربی تخصص دارند برای انجام این مطالعات تعیین شوند. ([19])

در تابستان 1373 چند دوره علمی - تخصصی برای 450 تن از ائمه جماعات، مبلغین و مسلمانان علاقمند و فعال در روسیه و فرانسه توسط عربستان سعودی برگزار می شود. ([20]) در سال 1371 عربستان سعودی با تسلط به مرکز فرهنگ اسلامی روسیه با صرف مبلغ حدود 20 میلیون دلار اقدام به احداث ساختمان جدید این مرکز شامل مسجد، مدرسه و اقامتگاه نمود و در آوریل سال 1992 سفیر این کشور بعنوان رئیس مرکز انتخاب شده است. اقدام به ایجاد مدرسه علوم دینی در مسکو با همکاری دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود ریاض و تشکیل کلاسهای کامپیوتر در مسکو با ظرفیت 600 تن از گروههای مختلف اسلامی، دیگر فعالیت وهابیون است. در روسیه چهار گروه سعودی از قبیل «رابطة العالم الاسلامی»، «الطیبه» و «الابراهیمی» فعالیت دارند. ([21])

در گزارش دیگری نمایندگی سیاسی ج. ا. ایران در مسکو اظهار می دارد؛ رئیس دانشگاه اسلامی داغستان که وابسته به اداره دینی این جمهوری خودمختار است به نمایندگی سیاسی مراجعه و اظهار داشت که عربستان سعودی در داغستان وهابیت را توسط اشخاصی که تحت عنوان استاد و مدرس ارسال می کند تبلیغ می کند؛ حتی افرادی را شناسایی و جهت تحصیل به سعودی اعزام می کند. مدرسه ای با 250 دانشجو بوجود آورده اند که علاوه بر تعلیمات مذهبی از نظر مادی نیز دانشجویان را تأمین می کنند. با توجه به وضعیت مالی ضعیف داغستان و عدم اطلاع مردم از وهابیت متأسفانه اقدامات بعمل آمده با موفقیت روبرو می شود. وی تقاضای کمک مالی و آموزشی به دانشگاه اسلامی داغستان نمود. در حال حاضر 450 دانشجو در این دانشگاه تحصیل می کنند. ([22])

شیخ محمدی نماینده سابق صدا و سیمای ج. ا. ایران در مسکو تأکید می کند. براساس گزارشها و آمار رسمی دولتی، همینطور اظهارات و افشاء مجامع و مقامات مذهبی توسط عوامل سعودی و پاکستانی وهابیت در داغستان به شدت فعالیت می کند.

فعالتهای وهابیون و ارتباط آنها با گروهایی همچون طالبان در افغانستان و بنیادگرایان دیگر موجب شد مرکز رابطه العالم الاسلامیه عربستان سعودی در مسکو تعطیل و به یکی از جمهوریها منتقل شود. طبق اظهارات شیخ محمدی، وهابیون آنقدر در روسیه و شهر مسکو نفوذ پیدا کرده بودند که در مسجد «تاریخی» این شهر غیر وهابیون در تنگنای حضور و ادای فرایض دینی قرار گرفته بودند.

نشانه های وهابیون حتی در جمهوری شیعه نشین آذربایجان نیز وجود دارد. به گزارش روزنامه «سحر» چاپ باکو يك انجمن وهابی وابسته به عربستان سعودی با كمك مصر در بخش «آغداش» این جمهوری يك مدرسه دایر کرده است. معلمین از ترکیه و مصر آمده اند. همچنین در همان بخش مسجد بزرگی احداث میشود که یکی از مؤسسين اظهار میدارد هزینه احداث را در طول ده سال کار در کشورهای عربی تهیه کرده است. در مراسم افتتاح مسجد يك تبعه اردن که خود را از اعضای جمعیت بین المللی اسلامی معرفی می کرد، حضور داشت. وی تأکید کرد که جمعیت مذکور از سوی عربستان سعودی تأمین مالی می شود. ([23])

وهابیون در منطقه شمالی جمهوری آذربایجان، محلی که ساکنان لزگی و سنی مذهب دارد و با جمهوری داغستان همجوار می باشد فعال هستند. روزنامه آزادی چاپ باکو در هفتم مهر ماه 1378 (29 سپتامبر) گزارش داد در مناطق شمالی دوتن وهابی با کتابهایی که این فرقه را تبلیغ و ترویج می کند، بازداشت و به ده روز زندان محکوم شدند.

طبق اظهارات جعفری رایزن فرهنگی سابق ج. ا. ایران در تاجیکستان وهابیگری در تاجیکستان نفوذ کرده است چرا که بخشها و افرادی از حزب نهضت اسلامی با عربستان سعودی رابطه دارند. بنظر ایشان طالبان وهابی نیز در تاجیکستان مؤثر واقع شده اند و در واقع حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در حال تقسیم شدن به دو قسمت است؛ نیروهای نظامی و غیر فکری و غیر استراتژیستها از طالبان تأثیر بیشتری می گیرند.

اکبری رایزن فرهنگی سابق ج. ا. ایران در ازبکستان ضمن متأثر دانستن رهبران دینی و اسلام گرایان ازبکستان – همچون جمعه نمنگانی – از طالبان، نفوذ مالی و بکارگرفته شدن كمك پولی وهابیون در بین اسلام گرایان را زمینه بوجود آمدن نفوذ فکری این فرقه در بین مسلمانان فعال بر می شمرد.

«نجم الدين كاملف» معاون فرهنگستان ساختار دولتی و اجتماعی ازبکستان طی مقاله ای در روزنامه «خلق سوزی» در 14/1/77 (سوم آوریل 1998) پس از حمله به وهابیون می نویسد: وهابیت می خواهد از فرهنگ هزار و پانصد ساله اسلام چشم بپوشد و میراث دهها دانشمند مشهور مانند امام بخاری، غزالی، ابوحنیفه، سمرقندی، ابو نصر فارابی، برهان الدین مرغلانی، الفرغانی، نوایی، جامی، الغ بیگ، نقشبندی و دیگران را نادیده بگیرد و توصیه می کند کتاب آنها را بسوزانیم. آثار نوایی را به دلیل محتوای صوفیانه، بدعت و خرافات می خواند و بطور کل آثاری که محصول عقل و تفکر انسان است، رد می کند... مثلاً ترغیب می کند که قبور گذشتگان خود را زیارت نکنیم..

در ترویج وهابیت، از يك تبارهای عربستانی نیز که دارای ثروت قابل ملاحظه ای هستند، بطور فعال مشارکت دارند.

ادموند هرزیک در کتاب «ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق» در خصوص نفوذ وهابیون می نویسد: در تاجیکستان... بیشتر، دانشگاہیان ایران فعال بوده اند نه روحانیون یا نیروهای اسلامی. شاید به این خاطر که مخالفین تاجیکستان سنی هستند و بیشتر در صدد جلب حمایت افغانستان، پاکستان و عربستان سعودی بوده اند... ایران همچنین در احداث مساجد در سراسر آسیای مرکزی سهمیم بوده و... اما می توان گفت در مقایسه با کشورهای همچون عربستان سعودی فعالیت ایران ناچیز بوده است.

رژیم سعودی تلاش نموده است با دلارهای نفتی حضور خود را در این منطقه گسترش دهد. برای مثال در يك اقدام بی سابقه يك كمك يك ميلیارد دلاری به این منطقه گسیل داشته و در يك فقره دیگر هفت میلیون دلار به تاشکند اعطا کرده است و نیز دو کامپیوتر عظیم عربی زبان به تاجیکستان بخشیده و در باکو نیز هزینه احداث يك مرکز اسلامی به مقدار 300 هزار دلار را تقبل نموده است. ([24])

خبر دیگر حاکی است در سال 1371 از داغستان شش هزار زائر حج به عربستان سعودی اعزام می شود که این تعداد نصف تمام زائران کشورهای مستقل مشترك المنافع را تشکیل می دهد... فهد پادشاه عربستان سعودی

وهابیت در ترکمنستان نیز نفوذ ملموس دارد. البته بعثت سطح پایین رشد فکری، دامنه نفوذ دینی در جامعه این جمهوری وسیع نیست و هیچگونه حرکت نهضتی و اعتراض از سوی هیچکدام از گرایش‌های اسلامی از جمله وهابی در این کشور مشاهده نمی‌شود لیکن بسیاری از علمای این جمهوری تعلقات فکری به وهابیت پیدا کرده‌اند که در نوع خود جای بحث جداگانه‌ای دارد.

2 - 4 اعراب غیر وهابی:

در دوره شوروی سابق فارغ التحصیلان مدرسه دینی تاشکند و بخارا جهت تکمیل علم به کشورهای عربی همچون سوریه، لیبی و مصر اعزام می‌شدند. بنابراین بصورت سنتی آبخشور فکری برای این قبیل طلاب و عالمهای دینی فراهم می‌شد. دانشگاه الازهر مصر قبله گاه بسیاری از روحانیون این کشورها است.

هم اکنون نیز تعدادی همچون دوره شوروی در بخش ویژه طلاب و دانشجویان جمهوریهای مستقل مشترک المنافع در این دانشگاه در حال تحصیل هستند. به گفته رضانی کارشناس فرهنگی کشورهای عربی، در کشور لیبی 120 دانشجوی کشورهای شوروی سابق در «کلیه الدعوة الاسلامیه» در حال تحصیل علوم دینی هستند. طبق توافق مفتی اعظم سوریه در سفر به روسیه که حدود شش ماه پیش تحقق یافت؛ مقرر شد حدود 550 طلبه از جمهوریهای منظور نظر به جامعه ابوالنور (انستیتو ابوالنور) جذب و تحت نظر «دکتر

«کفتارو» مفتی اعظم سوریه تحصیل کنند. این مرکز باید آموزش ضد شیعه و ضد وهابیت بدهد. همینطور حدود هشتاد دانشجوی دینی نزد «عبد الطیف فرفور» رئیس آکادمی اسلامی دمشق سوریه کسب علم می کنند. ([26])

«دکتر رمضان البوطی» یکی دیگر از شخصیت‌های علمی در سوریه که بعنوان رهبر اخوان المسلمین این کشور شناخته می شود در دروس عمومی خود که در مسجد «دن کز» و «جامع الادیان» برگزار می کند با استقبال فراوان تا حدود 600 تن طلاب حوزه شوروی سابق مواجه است. آنها متن سخنرانی را همچون آیات قرآن حفظ می کنند، گویا «البوطی» از طرف کشور مغرب حمایت مالی می شود و نوعی تصوف و مشربهای عرفانی را ترویج می کند. ایشان استاد دانشکده الهیات و همچنین يك چهره تلویزیونی است. بنابر اظهارات رمضانی بیشتر دانشجویان و طلاب علوم دینی کشورهای مسلمان نشین شوروی سابق پس از استقلال به سوری راه یافته اند و علاوه بر تعداد ذکر شده در بالا، دوازده تن نیز در دانشکده الهیات «کلیة الشریعة» تحصیل می کنند.

مسلمانان جمهوریهای یادشده همچنین برای حضور اتباع اعراب در مراکز آموزشی شوروی سابق با آنها و اندیشه هایشان آشنا می شدند. به علت اینکه بسیاری از کشورهای عربی همچون سوریه، مصر و لیبی متحد شوروی محسوب می شدند لذا تبادل دانشجو و استاد برقرار می کردند. ناخواسته از این راه افکار دینی و اسلامی نیز رواج می یافت؛ بعنوان مثال حضور فردی به نام «اسامه» بعنوان دانشجو از حزب «تحریر» اردن در ازبکستان قبل از فروپاشی شوروی، موجب نشر اندیشه حزب التحریر، ([27]) در این جمهوری و بویژه دره فرغانه می شود که اکنون یکی از کانونهای اسلامگرایی می باشد. اسامه با علما و شخصیت‌های فعال مسلمان دره فرغانه ارتباطاتی برقرار کرده بود و کتابهای متعلق به اندیشه حزب التحریر همچون «الخلافة الاسلامیة» و... را که هنوز هم میان گرایان دست به دست می شود؛ در میان مسلمانان منتشر کرده بود.

«مسکونیوز» می نویسد: ... دیگر خواندن عبارات یا مطالبی از طریق اینترنت در مورد بنیادگرایان بین

المللی کافیت. این جنبش، جنبشی است که به آن حزب آزادیبخش اسلامی (حزب التحریر) می‌گویند، همین حزب در سال 1952 در فلسطین آغاز به کار کرد که اکنون در اغلب اوقات به خاطر رهبری یا طراحی کردن عملیات تروریستی در کشورهای خاورمیانه و ازبکستان متهم می‌شود. ([28])

5 - انقلاب اسلامی ایران:

نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در این جمهوریها قابل چشم‌پوشی و کتمان کردنی نیست. رابطه رهبران حزب نهضت اسلامی تاجیکستان با ج.ا. ایران بر کسی پوشیده نیست و درخواست رئیس دانشگاه اسلامی داغستان از ج.ا. ایران برای همکاری در مقابل وهابیون پیشتر مورد اشاره قرارگرفت. روابط نزدیک حزب اسلامی ج.ا.آذربایجان با ج.ا. ایران کاملاً مثال‌زدنی. است همچنین خاطره درخواست کمک «جوهر دودایف» از ج.ا. ایران که به علت عدم موافقت، موجب گله‌چنها شد فراموش نمی‌شود. آنها توقع حمایت و پشتیبانی از نظام اسلامی را برای خود بعنوان حق مسلم اسلامی محفوظ داشته بودند. همینطور در خواست تأسیس شعبه ایی از بنیاد فرهنگی هنری توسط جمهوری چین توسط نماینده حکومت چینستان در ایران در سال 76 به یاد ماندنی است. وقتی نماینده اعزامی چینستان، جواب منفی از تهران دریافت کرد، گفته بود: «ما به هر ترتیبی این شعبه را دایر خواهیم کرد. اگر شما اجازه ندهید در عربستان به اینکار مبادرت می‌کنیم.».

آنها از لحاظ فکری و فرهنگی در خواست همکاری کرده بودند. در نامه در خواستی اظهار شده بود: علی‌رغم همه مخالفتها، دولت اسلامی ایران را بر اساس قرآن پایه‌گذاری کرده‌اید و این خود سرمشق و راهگشای همه کسانی است که می‌خواهند از طریق اسلام برادری و برابری همگانی را استقرار و تداوم بخشند و می‌کوشند هر مسلمان دیگر را برادر خود بدانند. ([29])

«مراد زرگی شیف» نماینده و معاون کمیته امور مذهبی پارلمان روسیه در مقاله‌ای در روزنامه «نزاویسیا یا گازتا» چنین نوشت: «ما باید از دستاوردها و ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری

امام خمینی و تجربه مثبت آنها بهره برداری کنیم.» وی در ادامه با طرح این مسئله که حالا این سوال وجود دارد که روسیه و کشورهای مسلمان نشین جامعه کشورهای مستقل مشترك المنافع باید از ایران و یا ترکیه پیروی کنند، نوشت: ترکیه و ج.ا.ایران هر يك دارای ویژگی‌هایی هستند... پاسخ به سوال بالا این است که باید نکات مثبت نظام‌های حاکم بر ترکیه و ج.ا.ایران را گرفت و آنها را در یکدیگر ادغام کرد. ([30])

نفوذ انقلاب اسلامی در میان مسئولین رسمی ادارات دینی مناطق مسلمان نشین روسیه نیز ملموس است و ناچار نمی‌توانند انکار کنند. رئیس اداره روحانیون جمهوری مسلمان نشین باشقیرستان در کنگره مسلمانان روسیه طی مصاحبه با خبرنگار ج.ا.ایران اظهار می‌دارد: ایران الگوی اسلام واقعی است. انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) صفحات جدیدی در زندگی مردم کشور گشود که در آنها عمق اسلام به مسلمانان عرضه شده است. ([31])

اگر چه سنی مذهب بودن اکثریت ملل آسیای مرکزی و قفقاز موجب فاصله بین آنها و ج.ا.ایران می‌شود اما به علل گوناگون و از جمله متأثر بودن ریشه ای از صوفیسم و طریقه‌های سلسله‌های صوفیانه که به لحاظ مخالفت با وهابیت با شیعه همخوانی دارد. این امور زمینه‌ای فراهم می‌کند که غیر وهابیه‌ها، طریقه‌ها و اسلام‌گرایان انقلابی به ج.ا.ایران علاقه نشان دهند به همین دلیل و با توجه به اینکه نهضت اسلامی ازبکستان به رهبران نهضت اسلامی تاجیکستان دلبستگی و تعلق خاطر دارند لذا اندیشه اسلام ناب محمدی (ص) ج.ا.ایران در آن قلمرو نیز شنوندگان و خریدارانی پیدا می‌کند. چنانچه تأثیر انقلاب اسلامی ایران حتی در طاهر پوشش زنان مسلمان این کشور مشاهده می‌شود. به گزارش رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در 15/12/1376 در ازبکستان شبکه اول تلویزیون این کشور طی برنامه ای ضمن درخواست مصاحبه با همسر سفیر ج.ا.ایران از رواج حجاب به سبک ایران بین زنان ازبکستان سخن می‌گوید و در ادامه می‌افزاید که مردم از علماء و ما می‌پرسند: «ما که ایرانی نیستیم، پس چرا باید حجاب ایرانی داشته باشیم.»

پاکستان به طریق عواملی که شاید بتوان عوامل واسطه نامگذاری کرد در جریانات اسلام گرایی منطقه اثر می گذارد. این عوامل واسطه طالبان و گروههای غیر دولتی وهابی مسلک پاکستانی می باشند که دستشان برای فعالیت در منطقه بازگذاشته شده است. گاهی پاکستانی تبارها باگرایشات وهابی در زیر لوای وابستگان به عربستان سعودی فعالیت می کنند.

7 - طالبان افغانستان:

طالبان اعلام کرده اند تا سمرقند و بخارا جزو قلمرو آنها می باشد. آنها در میان بدنه نظامی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان رخنه کرده اند. چون طالبان ضد روسها می باشند لذا در بین اسلام گرایان جمهوریهای شوروی سابق نه اینکه مطرود نیستند بلکه محبوب نیز می باشند. از سوی دیگر اعزام نیروهای افغانی برای جنگ با غیر مسلمانان در جریان جنگ داخلی گرجستان، کمک به آذربایجان در جنگ قره باغ و حمایت از مبارزات مردم تاجیکستان زمینه نفوذ اندیشه گروههای افغانی به ویژه طالبان وهابی را فراهم کرده است.

8 - ترکیه:

این کشور سعی دارد با الگو قرار دادن نظام لائیک خود، منطقه را تحت تأثیر و نفوذ قرار دهد. لذا اگر چه به فعالیتهای آموزشی وسیع دست زده است و مراکز متعدد تحصیلی در سطوح متوسطه تا عالی به

سبک ترکیه در سراسر این جمهوریها راه اندازی کرده اما هدف آن به حرکت درآوردن جنبش دینی نمی باشد و بلکه سعی دارد به ترتیب ذکر شده مانع چنین تحرکاتی بشود. با بیان فوق خیزشهای اسلام گرایی حاضر ارتباطی به ترکیه پیدا نمی کند.

«نقش آفرینان وعوامل جنبشها و در گیریهای کنونی مسلمانان»

التهابهای ایجاد شده در قلمرو سرزمینهای مسلمان نشین را می توان به این ترتیب تقسیم بندی کرد که برخی عوامل به مسائل اعتقادی ارتباطی ندارد و نوع دوم از اعتقادات دینی سرچشمه می گیرد.

1 - عوامل غیر مرتبط با مسائل اعتقادی:

1 - 1 - استقلال طلبی و مخالفت تاریخی با روسیه:

یکی از عوامل خیزشهای تاریخی مسلمانان و ملی گرایان اشغال سرزمینشان به دست روسها است. استقلال خواهی از دیر باز در هر فرصتی خود را نشان داده است. البته ویژگی استقلال طلبی در تمام انواع گرایشهای جنبشهای کنونی وجود دارد. مذهبیهون، ملیون وقوم گرایان همگی خواهان استقلال بوده و هستند. لیکن در همین بخش نیز باید اذعان داشت که هیچ گرایشی از محور اسلامی نمی تواند به دور افتد و به هر ترتیبی آمیخته ای با تمایلات اسلامی خواهد داشت که در جای خود مورد اشاره قرار خواهد گرفت لیکن در اینجا مصاحبه «جوهر دودایف» با روزنامه «تایم» بخاطر می رسد که در جواب به سوال: آیا تهاجم روسیه باعث شده است مردم به اسلام روی آورند؟ پاسخ می گوید: البته بسیار زیاد، آنها - روسها - سبب شدند ما بیشتر به اسلام روی آوریم. اگرچه ما در واقع آمادگی پذیرش ارزشهای اسلامی را نداشتیم، اکنون ما به نوعی از اسلام روی آورده ایم که برای غرب خطرناک است. ([32])

روزنامه اکونومیست در مهرماه سال جاری نوشت: «... اما این طرز تفکر (صوفیگری) در میان طوایف کوه

نشین مغرور در چمن و داغستان يك رنگ و بویی به شدت ضد روسی یافته است. شیوخ صوفی طی زمان، همواره در موعظه های خود به این نکته اشاره نموده اند که يك مسلمان واقعی نمی تواند حکومت يك متجاوز خارجی را بر خود تحمل کند». ([33])

خبر روزنامه اکسپرس چاپ باکو در 1377 نیز قابل توجه است. این روزنامه نوشت: «براساس اطلاعات دیگر در اوراقی که سازمان زیرزمینی وها بیون داغستان و قفقاز موسوم به جبهه آزادیبخش منتشر کرده اند روسیه بعنوان دشمن ملل قفقاز نامیده شده است». ([34])

2 - 1 - اختلافات قومی، قبیله ای، رقابتهای گروهی و شخصی رهبران:

به ویژه ماوراء قفقاز با تعداد اقوام مواجه است. هر کدام از اقوام با آداب، رسوم و زبان قومی خویش خواهان مزایای بیشتر در تقسیم قدرت، منافع، امکانات و رهبری هستند. البته اینگونه اختلافات عمدتاً به درگیری داخلی منجر شده است لیکن گاهی نیز از مرزها فراتر می رود. بخشی از دلایل جنگ چچنها و روسها می تواند به همین وجه مربوط باشد. چرا که جناحهای داخلی برای کسب رهبری سعی می کند مقام اول مبارزه با دشمن خارجی را بدست آورد. اقدام «باسایف» در حمله به داغستان و سرپیچی از سیاستهای اصلاان مسخدوف از چنین مواردی است. درگیری روسلان خازیولاتف رئیس سابق پارلمان روسیه که چچن تبار بود با جوهر دودایف، اختلاف اصلاان مسخداف رئیس جمهوری فعلی چچن با سلیم خان یا نداربایف رئیس جمهوری سابق و مورد اخیر آن اختلاف باسایف با مسخداف نمونه هایی از تناقضات و درگیریهای درونی از نوع قومی، گروهی و شخصی است.

3 - 1 - فقر و بحران اقتصادی:

ماوراء قفقاز دارای ثروت خوبی است. داغستان وچچنستان دارای صنایع و معادن نفت هستند. عبور خطوط انتقال انرژی از این سرزمینها بر موقعیت سودآور آنها می افزاید با همه اینها هم اکنون جزو فقیرترین مناطق روسیه می باشند.

80 درصد مردم داغستان در زیر خط فقر زندگی می کنند. 20 درصد جمعیت فعال از جمله 56 درصد از جوانان بی کار هستند و علاوه بر آن اکثر مشاغل فصلی است. امروزه به دلایل گوناگون کشاورزی داغستان نیز با بی توجهی مواجه شده که در نتیجه موجب نابودی تقریبی آن شده است. اقتصاد رسمی با کمتر از 30 درصد ظرفیت خود فعالیت می کند و 87 درصد بودجه این جمهوری از مسکو تأمین می شود. ([35])

اوضاع جمهوری چچنستان نیز بهتر از داغستان نیست. بویژه پس از جنگ اول روسیه و چچن (75 - 73) امکانات جمهوری تا حد زیادی از بین رفت و وضعیت جنگی موجب گردید که تأسیساتی صنعتی و تولیدی از بین برود و یا اینکه از زنجیره تولید و توزیع سراسری شوروی سابق که مکمل همدیگر بود متلاشی شود. اکنون هشتاد درصد جمعیت چچن زیر فقر زندگی می کنند.

4 - 1 - آمریکا :

قفقاز حیاط خلوت روسیه است. آمریکا در این منطقه در پی منافعی می گردد. دریای خزر پس از خلیج فارس و منطقه سیبری، بزرگترین مخازن انرژی را در خود جای داده. روسیه دخالت کشورهای بیگانه در خزر و قفقاز را تحمل نمی کند. آمریکا برای متزلزل کردن منطقه اقوام، گروهها، کشورها و جمهوریهای حوزه یادشده را تحریک می کند. یکی از زمینه های امکان دخالت آمریکا در قفقاز کمک به فعالیت تر شدن حرکتهای ضد روسیه می باشد. اسلام گرایان جزو جنبشهایی هستند که ویژگی ضد روسیه بطور ریشه دار در لایه های مردمی جامعه شان رسوخ کرده است. دخالت پنهانی آمریکا با کمکهایی از طریق گروههای وهابی عربستان، پاکستان و حتی طالبان فراهم می شود. اگر دخالت آمریکا طبق تحلیل بالا صحّت داشته باشد، بر وابستگی اصل جنبشهای اسلامی به آمریکا دلالت ندارد چرا که حرکت اسلامی این مناطق ریشه دار و

تاریخی است و امریکا فقط در روند جنبشها اثرگذار می باشد.

روزنامه پراودا در چگونگی دخالت آمریکا در ناآرامیهای منطقه ضمن اشاره به اینکه بر خلاف سالهای 1991 تا 96 که فعالیت‌های مسلحانه ضد روسیه در مناطق منظور نظر عمدتاً تحت شعار ملی‌گرایی لائیک صورت می گرفت، اما اکنون نقش وهابیون اسلامی افزایش یافته است آنگاه به حمایت انگلیس از وهابیون در قرن 19 اشاره می کند که موجبات حاکمیت وهابیت به عربستان سعودی را فراهم کرد، لیکن با تضعیف شدن انگلیس، این بار آمریکا تبدیل به پشتیبان عربستان سعودی شد. پراودا نمونه حمایت آمریکا از عربستان سعودی و وهابیت را جنبش افغانی طالبان ذکر کرده و می افزاید: «توسط سازمان سیا همراه با پاکستان و عربستان سعودی از طالبان حمایت می شود.» در ادامه این روزنامه می افزاید: «رشد وهابیت و توسعه جنگ‌های ضد روسی در شمال قفقاز را نباید جدا از برنامه های واشنگتن برای کنترل منابع سرشار انرژی دریای خزر که منطقه منافع حیاتی آمریکا اعلام شده است در نظر گرفت. طبق اطلاعات بدست آمده در نظریه جدید آمریکا امکان وقوع جنگ منطقه ای در حوزه دریای خزر در صورتیکه روسیه به اقدامات تهدید آمیز در حق جمهوریهای شوروی سابق متوسل شود پیش بینی شده است.»

این نشریه می افزاید به بهانه ایجاد صلح در منطقه مابین ارمنستان و آذربایجان و حفظ خط لوله نفت و گاز ناتو نیروهای خود را به منطقه وارد خواهد کرد. ([36])

همانگونه که ذکر شد وهابیگری در شکل گیری اندیشه بخشی از گروههای مسلمان مؤثر افتاد و این عده در ایجاد جنبشهای فکری مسلمانان نقش فعال ایفا کردند. قالبهای فکری وهابیت از طریق طالبان در اثر ارتباط مرزی در تاجیکستان و تردهای طرفین، همچنین به طرق دیگری مانند رفت و آمد به عربستان سعودی، شرکت در مراسم حج، توزیع کتب وهابیت، آموزش دیدن توسط وهابیون و... رسوخ کرد. نشانه های متعددی از ارتباط وهابیون با درگیریها به چشم می خورد که قابل تردید نمی باشند. حتی دبیر کل رابطه العالم الاسلامیه عربستان سعودی که وظیفه ترویج بین المللی وهابیت را بعهده دارد اظهار کرده است برای جلوگیری از اصولگرایی اسلامی باید وهابیت را ترویج کرد.

هنگامی که اولین نشانه های درگیری در مرزهای چین و داغستان در سال 1377 بروز کرد. اعلان مسخدوف رئیس جمهوری چین در يك برنامه تلویزیونی حاضر شد و اعلام کرد وعاط این گروه - عاملین درگیری در مرز با داغستان - از کشورهای عربی می آیند و از مردم می خواهند که دست به جنگ بزنند و آدم ربایی ها را نیز توجیه می کنند. مسخدوف از مردم خواست در مقابل جنبش «وهابی» مقاومت کنند. ([37])

یکی از اقدامات تبلیغی وهابیون چاپ کتابی به نام «مبارزه ما» می باشد که انعکاس وسیعی پیدا کرد. کتاب در تیراژ 5 هزار نسخه با هدف آموزش رزمندگان وهابی قفقاز و در اکراین به چاپ رسید. محمد تقیف نویسنده کتاب که يك وهابی تندرو می باشد نوشته است. «روسها باید از شهرهای رستوف، تزارتیس، هشترخان، تاگانروگ، دریاهاى آرف، خزر و سیاه دست بکشد ما از داغستان تا مسکو و کرملین را محو خواهیم کرد... کاری خواهیم کرد که از ترس ما خون در رگهای دشمن منجمد شود.» ([38])

در پی گسترش و غیر قابل کنترل شدن درگیریها ایندیندنت از قول «صالح هرانت» که او را سخنگوی دولت چین در خارج معرفی می کند نوشت: وهابیون از پایگاهشان در دانشگاه مدینه واقع در عربستان سعودی در حال اعمال نفوذ و تأثیرگذاری روی اهالی منطقه قفقاز هستند... آقای امیر الخطاب در رویدادهایی که

پی آمد جنگ در افغانستان بود شرکت کرده است. وی یکی از وابستگان اسامه بن لادن، تروریست میلیونر محسوب می شود و با عناصر دنیای اسلامگرایان رادیکال دارای ارتباطات مستحکم است. او به همراه مبالغ هنگفتی پول؛ تعداد کثیری رزمنده عمدتاً از اهالی افغانستان، الجزایر، تاجیکستان و کشورهای عربی، تجهیزات و لوازم آموزشی و مسلک و ایدئولوژی خشک و انعطاف ناپذیر وهابیت وارد چینستان شده. رواج و نفوذ وهابیت در چینستان و داغستان طبق الگویی آشنا صورت می گیرد. در مساجد، در بین گروههای دانشجویی و در مراکز اسلامی در اقصی نقاط جهان، فارغ التحصیلانی یافت می شوند که در دانشگاه مدینه یکی از کانونهای تبلیغ و رواج مذهب وهابیت، تحصیلات و آموزش رایگان دیده اند. روزنامه ایندپندنت در ادامه می نویسد: وهابیها برای نخستین بار يك یا دو سال پیش به درون دهکده ها نقل مکان کردند و حیطه قضایی روسها و اقتدار مرجعیت محلی فتوا دهندگان اسلامی را مردود شناخته و از رعایت اصول و احکام آنها سرپیچی کردند حتی مفتی داغستان بر علیه آنها فتوا صادر کرد. ([39])

به نوشته روزنامه اکونومیست «این تفکر در بین خانواده ها دو دستگی و حتی خشونت به بار آورده است. اما وهابیت با احداث مساجد و اختصاص بورسهای تحصیلی بویژه در میان جوانان، پیروانی برای خود دست و پا کرده اند... وهابیها در ابتدا از در صلح و آشتی وارد شدند و بر تعداد کمی از روستاهای داغستان مسلط شدند و جوامع جدیدی تشکیل دادند که تعبیر خشک آنها از اسلام در این جوامع دنبال می شد... در سال 1997 مقامهای داغستان وهابیگری را غیر قانونی اعلام و تعدادی از رهبران جنبش را بازداشت نمودند. بعضی از این رهبران با او یا بدون پیروان خود به جمهوری همسایه یعنی چین گریختند. ([40])

همانطور که ذکر شد بنابر اظهار نماینده سابق صداوسیماي ج.ا.ا. ایران در مسکو طبق آمار رسمی دولت روسیه و سازمان جاسوسی این کشور و همچنین اظهارات و افشاگریهای مجامع و مقامات مذهبی روسیه در جمهوری خودمختار داغستان و جمهوری چینستان فعالیت وهابیها توسط عوامل پاکستانی و عربستانی ترویج و تبلیغ می شود.

رایزن فرهنگی سابق ج.ا.ا. ایران در ازبکستان هم معتقد است پول وهابیها در فعال کردن اسلام گرایان

ازبکستان بکار می افتد؛ اگرچه ممکن است در حال حاضر فکر وهابیون نقش اول و عامل جهت دهنده فکری نداشته باشند؛ اما به هر حال عامل حرکت دهنده شده و به مرور در جهت دهی آنها نیز مؤثر خواهد افتاد. بنابر اظهار ایشان به علت نفوذ وهابیت، طرفداران ج.ا.ا.ایران در ازبکستان چشمگیر نمی باشند.

وی همچنین تحت تأثیر قرار داشتن جمعه نمنگانی یکی از رهبر جریان اسلام گرایی دره فرغانه ازبکستان از وهابیون را تایید می کند. در اوت 1999 درگیریهای در نمنگان بوقوع می پیوندد. در این حادثه تعدادی از روستاهای منطقه باتکن قرقیزستان تصرف و عده ای از جمله چهار زمین شناس ژاپنی و يك ژنرال وزارت کشور قرقیزستان به گروگان گرفته شدند. مهاجمانی توسط حکومت قرقیزستان و ازبکستان سرکوب می شوند. این مبارزان علیه اسلام کریم اف اعلام جهاد کرده اند. ([41])

یکی دیگر از رودرروی های اسلام گرایان با حکومت ازبکستان باز هم در نمنگان رخ داد که منجر به کشته شدن رئیس پلیس آن شهر و چند مأمور نظامی شد و در پی آن موج جدیدی از خیزش اسلامی و اعتراض و فشارها ... آغاز شد و عابدی قاری که رهبر این جریان بود تحت کنترل قرارگرفته. در مسجد محل امامت وی جوانان نمازگذار به طواهر وهایی تظاهر دارند بویژه در موضوع جهر به آمین در نماز، محاسن بلندگذاشتن، اکتفا کردن به دو رکعت نماز جمعه، عدم اقامه نوافل و اعراض از برخی مستحبات و نوافل در مذهب حنفی، ... در حالیکه این گروه از انتساب خود به وهابیون خودداری می کند. ([42])

لازم است توضیح داده شود که فعالیتهای طالبان، مبلغین پاکستانی و حتی برخی کشورهای عربی همچون امارات متحد در قالب و چارچوب اهداف وهابیون قرار می گیرد.

علمای دینی غیر دولتی که رهبران صوفی مسلک هستند در جای جای جمهوریها نفوذ دارند. دهها و بلکه مدها سال مبارزه و مقاومت در مقابل روسهای متجاوز را رهبری کرده اند و ریشه در اعماق دل مردم دوانده اند. طبق آمار بدست آمده بیش از نیمی از مسلمانان معتقد چچن و اینگوش عضو یکی از سلسله های صوفیه می باشد لهذا می توان گفت در حال حاضر تعداد اعضای سلسله های صوفیه میان 000/150 تا 000/200 نفر است. ([43])

اینها نیروهای نظامی مردمی چچنها را در جنگ با روسیه تشکیل می دهند و پشتیبان رهبران مبارز ملی می باشند. روسلان خازبولاتف رئیس پارلمان پیشین روسیه که خود چچنی الاصل بوده و از مخالفین رهبران چچنهای استقلال طلب بویژه مخالف جوهر دودایف رئیس جمهوری سابق چچن می باشد در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری ا.ا.ج تصریح می دارد که: چچن يك جمهوری مسلمان نشین است و نفوذ روحانیون در آن از برد وسیعی برخوردار است و در همسایگی کشورهای اسلامی قرار دارد. ([44])

مجله «وئگ» چاپ مسکو در 1998 می نویسد: «انقلاب چچن راگاهی انقلاب رقمان نیز می نامند. هر حادثه مهم در گروزی از مراسمی علنی گرفته تا عملیات نظامی، معمولاً با رقص مذهبی درویشهای طرفدار فرقه نقشبندیه همراه بود.» ([45])

در تاجیکستان که بارزترین مرکز جنبش اسلامی در آسیای مرکزی می باشد صوفیها نقش بارز داشته اند. «بوشکوف» و «میکوسکی» نویسندگان کتابی تحت عنوان «تاریخچه جنگ داخلی در تاجیکستان» به این امر اشاره دارند که اعضای قشر اشرافی آسیای مرکزی به نام «ایشان» یعنی روسای برادرهای صوفی اساس محافل رهبر اپوزیسیون تاجیکی را تشکیل می دهند. از نظر وهابیون پایبندی به تصوف با احکام اسلام مغایرت دارد، مالاّ اپوزیسیون تاجیکی را نمی توان وهابی خواند. ([46])

الکساندر بینگسن در کتاب «مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده» ضمن اینکه می نویسد بر اساس بررسیهای اخیر (1979) اهالی شمال قفقاز به ویژه چچنها از دیگر مسلمانهای شوروی سابق مذهبی ترند و تبعید و آوارگی توسط روسها بر رشد روحیه مذهبی آنها مؤثر افتاده و موجب بوجود آمدن اسلام محافظه کاری شده است که سلسله های صوفیه نقش شگرفی در این امر داشتند؛ می افزاید کلیه نهضت های مقاومت

عمده در برابر تهاجم و سیطره روسها توسط صوفیان برانگیخته و هدایت شده اند. ([47])

در مناطق بحرانی قفقاز و آسیای مرکزی رهبران سیاسی و نظامی تحت تأثیر اندیشه ریشه دار علمای یاد شده مبارزات خود را هدفمند کرده و پیش می برند. حتی اگر رهبران سیاسی گرایشات قومی و ملی داشته باشند از دایره نفوذ نسبی علمای دینی سنتی خود خارج نمی باشند.

خاطر نشان می شود که اکثر علمای مبارز این جمهوریها بویژه در آسیای مرکزی گرایشی به اسلامی همسو با انقلاب اسلامی دارند؛ از تاجیکستان و رهبران حزب نهضت اسلامی می توان مثال بارز آورد، اگر چه در تاجیکستان عامل زبانی نیز در احساس تعلق و نزدیکی به ج.ا.ایران مؤثر است. لیکن جایگاه انقلاب اسلامی ایران در این منطقه با سابقه مبارزه ایی علیه رژیم سابق پادشاهی، مقاومت در برابر آمریکا و ابرقدرت شرق و غرب، حمایت از فلسطین و شعارهای آرمانی مسلمانان جهان، منزلتی به انقلاب اسلامی داده است که همچون انقلابیون مسلمان جهان؛ این منطقه نیز خود را همسو با انقلاب اسلامی ایران قرار می دهد؛ بویژه اینکه تعلقات تاریخی و فرهنگی نیز براین نزدیکی استحکام بیشتری می بخشد. موارد گوناگونی از تمایل مسلمانان و ملی گرایان قفقاز و آسیای مرکزی پیشتر بیان شد. در اینجا فقط از خیزش مسلحانه وادی فرغانه یاد می کنیم که رهبر آن «جمعه نمگانی» است. وی از شاگردان سیدعبدالله نوری رهبر حزب نهضت اسلامی تاجیکستان است و از ایشان اطاعت می کند. آقای نوری نیز با انقلاب اسلامی نزدیک بوده و حتی وی را متهم می کنند که شیعه شده است. حلقه تأثیرگذاری سلسله وار موجب شد در حل مسئله بحران گروگانگیری گروه جمعه نمگانی در دره فرغانه، از ج.ا.ایران کمک خواسته شود.

گفتنی است حلقه های طریقتهای صوفیه که رهبران سنتی و روحانیون مردمی را تشکیل می دهد تحت تأثیر عوامل گوناگون سیاسی، محلی، قومی و جغرافیای فکری، شاهد تحولات و دگرگونیهای درونی شده اند که برخی به اصولگرایی اسلامی نزدیکتر و برخی به محافظه کاری و سنتی وابسته تر شده اند. بعنوان مثال پس از اینکه حزب نهضت اسلامی تاجیکستان بصورت تمام عیار درگیر مسایل سیاسی، مبارزات حتی برون مرزی و ارتباطات بین المللی شد، زمینه های اصولگرایی اسلامی را کسب کرد. از حزب نهضت اسلامی شاخه روسیه

نیز می توان به عنوان نمونه دیگری نام برد. اما گروههایی از اسلام گرایان همچون گروه جمعه نمگانی و دیگر تشکلهای اسلامی دره فرغانه چون در چالشهای سیاسی و حکومتی وارد نشده اند و با اندیشه نظام یافته و همه جانبه اسلامی آشنا نیستند، چهره ای خشن و بنیادگرایی متعصبانه پیدا می کند.

تجزیه اجزاء ارگانیک فکری جنبشهای اسلام گرا

همانگونه که اشاره شد نحله های گوناگونی در بوجود آمدن اندیشه جنبشهای اسلام گرایان مؤثر افتاده است. از وهابیون، اصولگرایان متمایل به انقلاب اسلامی ایران، روحانیون سنتی متعلق به طریقه های صوفی و ملی گرایان نام برده شد. اما سخن در این است که هیچکدام از سبکهای مذکور بطور مطلق بر گروههای مسلمان مسلط نیستند به بیان دیگر اگر درون فکری گروهها و یا رهبران جنبشها را بشکافیم خواهیم دید که به معنای واقعی و همه جانبه وهابیت و یا انقلاب اسلامی و یا صرفاً ملی گرایی و اصولگرایی و غیره نظام اندیشه شان را تشکیل نمی دهد. در مجموع هیچکس نمی تواند ادعا کند که فقط یکی از انواع عقاید گفته شده حرف آخر را می زند؛ بلکه چه بسا يك رهبر دینی از لحاظ اعتقادی گرایشات اصولگرایانه داشته باشد و اما از لحاظ سیاسی تمایلات و رفتار ملی گرایانه اتخاذ کند. همچنین مواردی را می توان شاهد آورد که از منظر فکری و اعتقادی وهابی است اما از لحاظ سیاسی در جناح انقلاب اسلامی ایران قرار می گیرد. همانگونه که پیشتر اشاره رفت رهبر وقایع دره فرغانه «جمعه نمگانی» از کسانی است که می توان گفت از لحاظ اعتقادی تا حدودی تحت تأثیر وهابیت و از لحاظ سیاسی در قلمرو تأثیر انقلاب اسلامی ایران است.

در این سو، در قفقاز شامل باسایف با اهداف ملی - اسلامی به علت نفرت از روسها دست به قیام زده و از چین به داغستان حمله کرده سعی دارد همفکران آن سوی چینستان را تحریک کند. اما در کنارش امیر الخطاب از يك کشور عربی با اعتقاداتی وهابی وی را همراهی می کند و در جنگ با روسها یکی از رهبران چریکها محسوب می شود، به همین دلیل است که اصلاً مسخدوف رئیس جمهوری چین و سخنگوی حکومت وی، شامل باسایف و دیگرانی را که از چین به داغستان حمله کردند، وهابی می نامد حال آنکه مسخدوف يك فرد ملی گرای مسلمان است. چنین پیچیدگی روابط گروههای فکری مسلمان خود نشان از نهادینه نشدن روش اعتقادی واحد در گروهها می باشد.

موارد دیگر را باز از دره فرغانه می توان مثال آورد. عابدقاری یکی از رهبران شورش مسلمان در دره فرغانه شناخته می شود. شورش که موجب شد رئیس پلیس شهر نمندگان و چند مأمور نظامی کشته شود. به گزارش میدانی رایزن فرهنگی ج.ا.ایران در ازبکستان در مسجد عابد قاری جوانان در عین اینکه تظاهر به طواهر وهایی داشتند بویژه در موضوع جهریه آمین در نماز، محاسن بلند گذاشتن، اکتفاکردن به دو رکعت نماز جمعه وعدم اقامه نوافل، اعراض از برخی مستحبات و نوافل در مذهب حنفی... اما در عین حال از انتساب خود به وهابیون خودداری می کردند. ([48])

یا طاهر جان یولداشف امام مسجد «صاحبلی» در بخش کهنه تاشکند شهر تاشکند که منتسب به وهابیها بوده در عین حال علاقمند است به ایران سفر کند. ([49]) بنابر اظهار رایزن فرهنگی سابق در ازبکستان چون شناخت صحیح از وهابیت وجود ندارد همچنین به علت نفوذ اندیشه های دیگر اعراب مسلمان در منطقه اکنون به مخالفان حکومت ازبکستان گروههای تحریری نیز نام می گذارند. همانگونه که قبلاً بیان شد. حزب التحریر در این منطقه پرآشوب سابقه تبلیغاتی داشته است. با توجه به اینکه در بین گروههای مبارز مسلمان در منطقه فرغانه، دختران و زنان مسلمان هم حضور دارند بعید بنظر می آید که آنها وهابی بوده و یا کاملاً تعلیمات وهابیت را پذیرفته باشند.

وجه دیگر تأثیرپذیری مسلمانان مبارز این مناطق از نحله های گوناگون اسلامی را می توان مرحله ای نام نهاد. بعنوان نمونه می توان از زمینه سازی مبلغین حزب التحریر در دره فرغانه مثال آورد. هنگامی که با تعلیمات این گروه آمادگی پذیرش وسیع اسلام بوجود می آید؛ آنگاه وهابیون پیدا می شوند و با حمایتهای مالی پشتیبانیهای لازم را بعمل آورده وزمینه نفوذ اندیشه وهابی را فراهم می کنند. چنین وضعی را می توان در قفقاز ترسیم کرد. پس از اینکه رهبران مسلمان اصولگرا و سنتی سالیان متمادی دینداری را حفظ و اسلام را ترویج کردند؛ هنگام تبدیل شدن به جنبش فراگیر احتیاج به کمک های گوناگون مالی پیدا می شود به خودی خود و به ناچار در این برهه دست به سوی هر کمک کننده ای دراز می شود حال اگر ج.ا.ایران دست رد به سینه آنها بزند ناچار به منبع دیگری از جمله وهابیون روی خواهد آورد. با این حال نمی توان مدعی شد که چون از منبعی که وهابی است کمک دریافت شده است پس خود آنها نیز جامه فکری وهابیت به تن کرده اند.

روزنامه نزاویسیها یا گازتا چاپ مسکو در 1998 نوشت: «... بعد از روی کار آمدن جوهر دودایف، اداره روحانیت منحل شد و روحانیون محلی غیر دولتی که از صوفیان قادریه بودند روی کار آمدند و بعد از آغاز جنگ چین با روسیه روابط دودایف با این گروه محکوتر شد چون اسلام متحد کننده چنها در مبارزه با روسها می شد. بعد از مدتی رقبایی این روحانیون محلی را تهدید کرد. احمد قادروف مفتی چین – باشقیرستان به خبرنگار نزاویسیها یا گازتا گفت: در زمان جنگ در چین دسته های وهابیون داوطلب از کشورهای عربی پیش ما می آمدند. این دسته ها به خوبی مسلح بودند و به همین دلیل چنها با رغبت به آنها می پیوستند. بسیاری از آنها با مکتب ما آشنا شده و سپس ادعا کردند که ما اسلام را تحریف کرده ایم. وی گفت: ما مدت زیادی می خواستیم واقعیت را نادیده بگیریم و ادعا می کردیم مسئله وهابیت در جمهوری وجود ندارد و سعی می کردیم با مسالمت با وهابیون به توافق برسیم اما متأسفانه این دیالگ برقرار نشد.» ([50]) البته بکار بردن اتهام وهابیت يك شگردی است که جواز سرکوب اسلام گرایان مبارز را فراهم می کند چراکه بسیاری از اندیشه های وهابیت با اندیشه های طریقت های صوفیانه که در جای جای آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ دارد مغایرت دارد و لذا وهابیت پذیرفته شده نیست و مطرود و منفور است. حتی در زمانی که هنوز درهای شوروی باز نشده بود و اندیشه وهابی بعنوان تهدید کننده رژیم و حکومت در این سرزمینها مطرح نبود باز هم مسلمانان مبارز وهابی معرفی می شدند. این امر نشان می دهد مغایرت وهابیت و اسلام رایج در بین علما و مردم این سرزمین به دلیل گفته شده مورد توجه حاکمان بوده و برای بهره برداری سوء بکار گرفته می شد. حکومت تاجیکستان هم برای سرکوب مخالفان آنها را وهابی می نامید... تورجان زاده – یکی از رهبران اپوزیسیون تاجیک – می گوید اصطلاح وهابیون مخصوصاً توسط ک.گ.ب راه اندازی شده بود تا در میان مردم متدین تفرقه ایجاد شود... احمد قاضی اختایف، یکی از بزرگترین فقهای اسلامی روسیه مدتی قبل از وفاتش گفته بود: این يك برچسب است که افراد جاهل به گروه های مسلمانان می زنند که با هم دیگر تفاوت قابل توجهی دارند. در حقیقت هر کسی از روحانیت رسمی انتقاد می کند او را وهابی می نامند.» ([51])

البته باید گفت افکار عمومی و حتی بسیاری از دست اندرکاران جریانات سیاسی در سطح شوروی از وهابیت، اصولگرایی، بنیادگرایی و تفاوت های این مفاهیم شناخت صحیحی ندارند و هر کسی بر اساس برداشت خود نامگذاری های بعمل می آورد و اگر مقبول نظر تشخیص داده نشود وهابی نامیده می شود. «روتارایگور» طی مقاله ای در روزنامه نزاویسیا یا گازتا، چاپ مسکو در 1998 می نویسد: «وهابیون چه

کسانی هستند. در ازبکستان هر کس از پرداختن به جزئیات علوم الهی خودداری کند ولی بطور متعصبانه به احکام اسلامی پایبند باشد وهابی حساب شده اند... در داغستان همه طرفداران جدایی قهری داغستان از روسیه را که در واقع حتی با اصولگرایان ارتباط نداشتند وهابی اعلام شده اند. به عنوان مثال مقامات داغستان کتاب «مبارزه من یا ارتش امام» را به ملاه‌اء الدین یکی از رهبران اصولگرایان داغستان نسبت داده اند حال آنکه نویسنده واقعی آن کسی به نام محمد تقیف است. این شخص با گروههای اصولگرا ارتباطی ندارد». ([52])

باز در مقاله دیگر چنین اشتباهی تکرار شده است، آنهم در روزنامه پرتیراژ و مهم نزاویسیا یا گازتا چاپ مسکو در 25 سپتامبر 1999 (3 مهر 1378). این امر نشان می دهد که بعد از گذشت مدت مدیدی از ناآرامیها و درگیریها منطقه قفقاز و آسیای مرکزی هنوز قشر روزنامه نگار که خود اطلاع رسانان و آگاهان جوامع جهانی محسوب می شوند، نتوانسته اند مفهوم وهابیت و اسلام گرایی از نوع انقلاب اسلامی ایران را تشخیص دهند و در مقاله چنین عنوان می کند: «از سالهای دور فرستادگان ویژه اسلامی عربستان سعودی و ایران بطور جمعی راه رخنه در جمهوریهای آسیای مرکزی را در پیش گرفته اند... همانگونه که در شماره های گذشته روزنامه اشاره گردید در جنوب این جمهوری - قرقیزستان - مبلغین وهابی محلی از ایران، عربستان، پاکستان و سایر کشورهای مسلمان فعالیت گسترده ای را آغاز کرده اند». ([53])

از سوی دیگر باید به این مسئله توجه داشت که وارد شدن اندیشه های گوناگون اسلامی در این سرزمین تقریباً به پس از فروپاشی شوروی بازمی گردد پس زمان بسیار کوتاهی را سپری کرده ایم؛ بنا براین هنوز هیچکدام از سرمناشاءهای اندیشه در ترویج عقیده و کادرسازی کامل نشده اند و اندیشمندان نخبه که عموم مردم آنها را بپذیرند تربیت نکرده اند لذا تفکیکی کامل از این عقاید بوجود نیامده و جناحهای روشنی از آنها شکل نگرفته است. می توان با قاطعیت اعلام کرد که اگر چنین مواضع شکل بگیرد و وهابیت صراحتاً تبلیغ گسترده ای انجام دهد، زمینه های جنگ فرقه ای را فراهم کرده است و درگیریهای عمده داخلی آغاز خواهد شد.

در این بخش لازم است گفته شود که چون مردم از تعالیم اسلام دهها سال دور مانده اند برای همین برداشتهای ناقصی از دین دارند و گاهی مسایل قومی، سنتی و خرافی را به اسلام نسبت می دهند در نتیجه هر گروه فکری مسلمانی پاپیش گذارد و اقدام به تبلیغ کند، به هر وجهی که باشد، پذیرفته شده و به آن عمل می گردد. با توجه به اینکه فرهنگ مریدی به سبک طریقههای صوفیه همچنان مؤثر و باقی است؛ بنابراین تلاش در به اجزاء در آوردن تعلیم کسب شده تبدیل به اقدامات بعضاً خشن و غیر اصولی می شود. طاهر ملک روزنامه نگار مسلمان ازبک در اردیبهشت ماه سال 1377 در مقالات با رایزن فرهنگی ج.ا.ایران در تاشکند می گوید: عملکرد جوانان مسلمان بهانه ای شد که آنها خطرناک و وهابی معرفی شوند. آنها عقاید اسلامی را کامل فرا نگرفته اند و اخلاق اسلامی را خوب نمی دانند، با درستی و اخلاق ناپسند احکام اسلامی را بیان می نماید. چنان رفتاری موجب دخالت دولت شد.

منابع و مآخذ

- 1 – آتورخانف، آ؛ مسئله اقلیتهای ملی در شوروی؛ فتح اله دیده بان؛ تهران؛ انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛ چاپ اول؛ 1371
- 2 – بنیگسن، الکساندر؛ مسلمانان شوروی گذشته حال و آینده؛ کاوه بیات؛ تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ چاپ اول؛ 1370
- 3 – تراب زاده، منیژه و دیگران؛ ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز؛ تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه؛ چاپ اول؛ 1373
- 4 – اسلام و مسلمین روسیه؛ ش2؛ مسکو؛ سفارت ج.ا.ایران؛ 28/8/77 (بولتن محرمانه)
- 5 – رویدادهای ایران و جهان؛ ش 1768؛ تهران؛ اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ پنجم مهر 1378 (بولتن)
- 6 – رویدادهای ایران و جهان، ش 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/7/78، (بولتن)

- 7 - رویدادهای ایران و جهان، ش 1772، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 3/7/78 (بولتن)
- 8 - گزارشهای واصله از رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در ازبکستان و تاجیکستان.
- 9 - گزارشهای واصله از سفارت ج.ا.ایران در مسکو
- 10 - روزنامه های ابرار، اطلاعات، جهان اسلام، رسالت، سلام، کیهان
- 11 - مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- 12 - بانک اطلاعات کامپیوتری اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ([1]). بیگین، الکساندر؛ مسلمانان شوروی؛ کاوه بیات؛ تهران؛ انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ سال 1370؛ ص.ص 116 - 111.
- ([2]). همان منبع.
- ([3]). آورتورخانیف، آ؛ مسئله اقلیتهای ملی شوروی؛ فتح اله دیده بان، تهران؛ انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛ چاپ اول، 1371.
- ([4]). همان مأخذ ص 132.
- ([5]). همان مأخذ ص 132.
- ([6]). بینگسن الکساندر؛ مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده؛ کاوه بیات؛ تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ چاپ اول 1370.

([7]). همان منبع.

([8]). مسئله اقلیتهای در شوروی ص 150.

([9]). نعیمی پور. م؛ اسلام در سرزمین های شمالی؛ روزنامه سلام؛ ش 522، 16/12/71؛ ص 12.

([10]). مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده؛ ص 68.

([11]). همان؛ ص 122.

([12]). مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده

([13]). رویدادهای ایران و جهان، شماره 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/7/78 (بولتن)

([14]). تراب زاده؛ منیژه و دیگران؛ ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز؛ تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه؛ چاپ اول؛ 1373؛ ص 174.

([15]). همان، ص 175.

([16]). مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده، ص 122.

([17]). جهان اسلام، ش 316، 15/4/71؛ تهران.

([18]). رویدادهای ایران و جهان، شماره 1772، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 3/7/77 (بولتن)

([19]). ابرار، ش 2018، مورخ 1/8/74، تهران

([20]). گزارش واصله از وزارت خارجه ج.ا. ایران.

[[21]]. بولتن محرمانه اسلام و مسلمین روسیه، ش2؛ 28/8/78؛ سفارت ج. ا. ایران در مسکو.

[[22]]. اسلام و مسلمین روسیه، ش2. مسکو؛ سفارت ج. ا. ایران، 28/8/77 (بولتن)

[[23]]. روزنامه جمهوری اسلامی، ش4273، مورخ 5/12/72؛ به نقل از روزنامه سحر چاپ باکو.

[[24]]. جمهوری اسلامی؛ ش3692؛ 8 اسفند 1370.

[[25]]. گزارش سفارت ج. ا. ایران در مسکو به نقل از شبکه تلویزیونی روسیه در 8/3/71.

[[26]]. آکادمی اسلامی دمشق مدتی است از سوی حکومت سوریه تعطیل شده است.

[[27]]. حزب التحریر منشاء اردنی دارد و بطور کاملاً مخفی فعالیت می کند. این حزب معتقد به ایجاد حکومت جهانی و اسلامی است.

[[28]]. ابرار، شماره 3206 مورخ 9/9/78.

[[29]]. گزارش واصله از وزارت امور خارجه ج.ا. ایران.

[[30]]. اطلاعات؛ ش1989؛ 5/2/72.

[[31]]. رسالت؛ ش2551؛ 9 آبان 73.

[[32]]. کیهان. ش1561، 21/1/75.

[[33]]. رویدادهای ایران و جهان، شماره 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/1/78. (بولتن)

[[34]]. مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (اسناد موجود در بانک اطلاعات کامپیوتری).

[[35]]. اطلاعات، 24/7/78.

[[36]]. روزنامه پراودا، سوریکوف. آنتوان، (اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

[[37]]. کیهان؛ 25 تیر 1377.

[[38]]. مجله اکسپرس، باکو 1377 (اسناد مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

[[39]]. رویدادهای ایران و جهان؛ ش 1768؛ تهران اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ پنجم مهر 1378. (بولتن)

[[40]]. رویدادهای ایران و جهان، ش 1771، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 26/7/78. (بولتن)

[[41]]. رویدادهای ایران و جهان. ش 1768، همان.

[[42]]. گزارش میدانی رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران. در تاشکند؛ 1368.

[[43]]. مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده.

[[44]]. کیهان؛ ش 15220؛ 6 آذر 1373.

[[45]]. اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

[[46]]. روزنامه نزاویسیهایاگازتا، مسکو، 1998، ایگور. روتار، (اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

[[47]]. مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده.

([48]). گزارش میدانی رایزن فرهنگی ج.ا.ا.ایران از محل مسجد عابدقاری در ازبکستان.

([49]). گزارش ملاقات رایزن فرهنگی ج.ا.ا.ایران در ازبکستان با نامبرده.

([50]). بانک اطلاعات کامپیوتری مرکز اطلاع رسانی و خدمات رایانه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

([51]). همان.

([52]). همان.

([53]). رویدادهای ایران و جهان، تهران، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 12/7/1378. (بولتن)